

جایگاه حسن فعلی و حسن فاعلی در ارزشمندی اخلاقی افعال از منظر آیت‌الله مصباح یزدی*

خدیدجه سپهری / دکتری مدرسی معارف اسلامی - مبانی نظری اسلام دانشگاه تهران

khsepehri@yahoo.com

 orcid.org/0000-0002-5105-9200



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

چکیده

یکی از ویژگی‌های نظام ارزشی اسلام برخلاف بیشتر مکاتب اخلاقی، توجه به حسن فاعلی در ارزشمندی اخلاقی است؛ اما این به معنای نادیده گرفتن جایگاه حسن فعلی نیست. مقاله حاضر با هدف تدقیق در دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی در جایگاه هریک از حسن فعلی و حسن فاعلی در ارزشمندی فعل اخلاقی به رشته تحریر درآمده و به تحلیل دیدگاه ایشان در برخی مسائل جزئی در این بحث پرداخته است. از جمله مسائل مدنظر در این مقاله، رابطه حسن ذاتی با ارزشمندی افعال، حسن فعلی و ارزشمندی در فعل مباح، وجوه اصالت حسن فاعلی و ارتباط نیت خوب بدون عمل با ارزشمندی اخلاقی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی است. این نوشتار که با روش توصیفی و تحلیلی نگاشته شده، به این نتایج دست یافته که از منظر ایشان، «حسن ذاتی» به معنای حسن فعلی است، اما ارزشمندی اخلاقی فعل، مشروط به حسن فاعلی نیز هست. مباحث شرعی با توجه به معنای سلبی حسن (قبیح نبودن)، از مصادیق حسن فعلی محسوب می‌شود و با نیت الهی، ارزش اخلاقی پیدا می‌کنند. همچنین می‌توان وجوه اصالت حسن فاعلی را در وابستگی حسن فعلی به حسن فاعلی، جهت‌دهی ارزشی آن به فعل خنثا و تأثیر قبیح فاعلی در سقوط انسان دانست. علاوه بر این، بررسی به‌دست‌آمده روشن کرد که نیت خوب بدون انجام فعل، فعل جوانحی محسوب می‌گردد و موضوع آن از بحث دخالت حسن فعلی و فاعلی در ارزشمندی اخلاقی خارج است.

کلیدواژه‌ها: ارزش اخلاقی، حسن فاعلی، ایمان، نیت، حسن فعلی، حسن ذاتی، آیت‌الله مصباح یزدی.

مقدمه

اختلاف میان اندیشمندان و صاحب‌نظران در معیار خوبی و بدی افعال، نظام ارزشی جوامع را معین ساخته و بر نحوه رفتار افراد جامعه تأثیر می‌گذارد. در جامعه‌ای که مکتب اخلاقی آن خوبی را در سود شخصی تعریف می‌کند، افراد جامعه رفتاری منفعت‌طلبانه خواهند داشت؛ ولی در جامعه‌ای که خوبی را در کسب کمالات روحی دانسته، ایشار را موجب کمال می‌دانند، ارزشمندی افراد به کسب منفعت بیشتر نخواهد بود. بدین‌روی رشد یک جامعه به شکل‌گیری نظام ارزشی صحیح در آن وابسته است.

اعتقاد به معاد در میان مسلمانان، موجب شده است نظام ارزشی آنها با رویکرد آخرت‌گرایانه شکل بگیرد. با این حال، اختلافاتی در معیار خوبی و بدی افعال در میان آنان به وجود آمده است. آنچه در ارزشمندی فعل اخلاقی نیازمند بررسی است، حسن و قبح فعلی و حسن و قبح فاعلی است. مقصود از «حسن و قبح فعلی» خوب بودن ذات یک فعل بدون در نظر گرفتن فاعل آن است. منظور از «حسن و قبح فاعلی» نیز ویژگی‌های درونی فاعل در انجام فعل (همچون ایمان) و به‌طور عمده، انگیزه او از انجام کار است.

در بیشتر مکاتب اخلاقی، ارزش اخلاقی صرفاً وابسته به حسن و قبح فعلی است که فعل حسن از نظر اخلاقی ارزشمند بوده و فعل قبیح از نظر اخلاقی فاقد ارزشمندی است. اما از منظر استاد مصباح یزدی، حسن فعلی برای ارزشمندی اخلاقی افعال کافی نیست؛ چنان‌که حسن فاعلی نیز در افعال به تنهایی کفایت نمی‌کند؛ بدین‌معنا که با وجود حسن فاعلی و قبح فعلی، فعل نمی‌تواند از نظر اخلاقی ارزشمند محسوب شود. ریشه این مسئله به معیار ارزش اخلاقی از منظر ایشان بازمی‌گردد که با توجه به آن معیار، جایگاه ویژه‌ای برای هریک از حسن فعلی و حسن فاعلی قائل می‌شود.

مقاله حاضر به تحلیل، توضیح، ریشه‌یابی و جمع‌بندی نظرات ایشان با توجه به عبارات گوناگون پرداخته است. از جمله مسائلی که نیازمند بررسی است، بحث مصادیق حسن فعلی است تا روشن شود که از منظر ایشان آیا فعل مباح جزو مصادیق حسن فعلی محسوب می‌شود یا خیر؟ همچنین در کلمات ایشان به اصالت حسن فاعلی اشاره شده است که این مسئله نیاز به تبیین دارد که آیا اصالت حسن فاعلی به معنای کفایت آن برای تحقق ارزشمندی اخلاقی فعل خارجی می‌تواند باشد یا خیر؟ و وجوه اصالت چگونه از سخنان ایشان قابل استخراج است؟ و سؤال آخر اینکه نیت الهی که به انجام فعل منتهی نمی‌شود و مطابق روایات دارای ارزش اخلاقی است، چگونه با ضرورت وجود حسن فعلی و فاعلی - هر دو - در تحقق ارزشمندی اخلاقی سازگار است؟

۱. پیشینه بحث

تحلیل دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی با توجه به نقاط مبهم و نیازمند توضیح، در پژوهش‌های دیگران وجود ندارد. اما برخی پژوهش‌های مرتبط با بحث وجود دارد که فقط به نقش نیت در ارزش اخلاقی پرداخته و هریک از زاویه‌ای متفاوت با مقاله حاضر، به تبیین مطالب همت گمارده‌اند که از جمله آنها می‌توان به مقاله «نقش نیت در ارزش اخلاقی» از مجتبی مصباح و «نقش نیت در ارزش فعل اخلاقی» از علی رهنما اشاره نمود.

۲. ارزش اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح یزدی

گزاره‌های اخلاقی گاهی به صورت خبری و گاهی به صورت انشایی بیان می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۵۰). آنچه در ناحیه مسندالیه جملات اخلاقی واقع می‌شود فعل یا صفت اخلاقی است و آنچه در ناحیه مسند جملات اخلاقی قرار می‌گیرد یک مفهوم ارزشی است (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۳۱).

آیت‌الله مصباح یزدی با تحلیل معنای «ارزش» در اقتصاد، ارزش اقتصادی را به معنای «مطلوبیت» دانسته، معتقد است: در ارزش اخلاقی نیز مطلوبیت وجود دارد، گرچه مطلوبیت صرف نمی‌تواند معنای ارزش اخلاقی را برساند، بلکه علاوه بر «مطلوبیت»، باید سه عنصر «اختیار»، «مطلوبیت انسانی» و «انتخاب آگاهانه» را نیز در نظر گرفت (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۳۷-۱۴۵).

با توجه به معیارهای متفاوتی که مکاتب گوناگون برای ارزش اخلاقی قائل شده‌اند، ماهیت ارزش اخلاقی نیز متفاوت شده است. از این رو در ارزش اخلاقی، با واژه‌های یکسان، ولی معانی متفاوت روبه‌رو هستیم. واژه‌های یکسان کلماتی همچون «خوب، بد، باید و نباید» هستند.

چون در ارزش اخلاقی، هم مفاهیم تکلیفی و الزامی کاربرد دارد و هم مفاهیمی که آنها را در اصطلاح «ارزشی» می‌نامیم، باید گفت: مقصود ما از «ارزش اخلاقی» اولاً، اعم از مفاهیم الزامی و ارزشی است؛ یعنی هم شامل مفاهیمی مانند «باید» و «نباید» می‌شود و هم شامل مفاهیمی مانند «خوب» و «بد». ثانیاً، هم شامل ارزش‌های مثبت است و هم شامل ارزش‌های منفی (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۳۵). بنابراین فعل اخلاقی نیز که فعلی ارزشی است، هم شامل افعال شایسته و بایسته و هم شامل افعال ناشایسته و نابایسته است و مراد از «فعل اخلاقی ارزشمند» فعلی است که شایسته و بایسته است.

مقصود از «شایسته بودن فعل» نیز این است که رفتار اختیاری با مقدمات و مؤخراتش موجب کمال نفس انسان می‌شود و ناشایسته بودن فعل، یعنی رفتار اختیاری موجب نقص در انسانیت انسان شده، مانع رشد و کمال او می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۱۱). پس میان فعل اختیاری و نتیجه آن، رابطه سبب و مسببی برقرار است که سازگاری یا ناسازگاری فعل با کمال مطلوب، خوبی یا بدی فعل را معین می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۰۳).

از نظر *آیت‌الله مصباح یزدی*، «فعل اخلاقی» فعل اختیاری ناشی از ترجیح میل خاص در میان میل‌های متعارض است (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۳۸) که در رساندن فاعل به کمال مخصوص او مؤثر است (همان، ص ۱۸).

تشخیص کمال مطلوب انسان یکی از لغزشگاه‌های انسان در تشخیص ارزش‌های اخلاقی است. از این رو *استاد مصباح یزدی* به تشریح کمال نهایی انسان پرداخته، مکتب اخلاقی اسلام را «مکتب واقع‌گرای ماورای طبیعی» می‌نامد، نه طبیعی؛ یعنی کمال نهایی انسان در ارزش‌گذاری افعال او را باید در ماورای طبیعت جست، هرچند فعل اخلاقی آثاری در عالم طبیعت نیز دارد.

در نظام ارزشی اسلام، کمال نهایی انسان قرب الهی است. مقصود از «قرب» نیز قرب مکانی یا زمانی نبوده و امر اعتباری نیست، بلکه قرب وجودی با منشأ تکوینی است. قرب میان انسان و خدا از دو جهت قابل ملاحظه است: قرب خداوند به انسان، و قرب انسان به خداوند.

نوع اول چون اکتسابی نیست، دارای ارزش اخلاقی نخواهد بود. نوع دوم در اثر انجام اعمال خاصی برای انسان حاصل می‌شود که موجب رابطه وجودی قوی با خداوند شده، جوهر نفس انسان را کامل‌تر می‌کند و همین موجب ارزشمندی اخلاقی افعال است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۴۳-۳۴۴). بنابراین هر نوع تأثیر مثبت فعل موجب ارزشمندی اخلاقی آن نیست و صرفاً افعالی که انسان را به قرب الهی می‌رسانند، دارای ارزشمندی اخلاقی هستند. به همین علت آیت‌الله مصباح یزدی در تفاوت بین قضایای حقوقی و اخلاقی، اهداف این دو را با یکدیگر متفاوت دانسته، جامع‌ترین هدف حقوق را تأمین مصالح اجتماعی و هدف اخلاق را کمال نهایی انسان در سایه قرب خداوند بیان می‌دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۶۳).

این مبحث تأثیر بسزایی در تبیین جایگاه حسن فاعلی و تفاوت ارزشمندی اخلاقی با حسن فعلی دارد. از منظر استاد مصباح یزدی:

۱) موضوع ارزش اخلاقی فعل اخلاقی است. پس اگر درباره ارزشمندی اخلاقی صحبتی می‌شود، باید از فعل اخلاقی به‌مثابه موضوع، بحث واقع گردد.

۲) فعل اخلاقی فعلی ارادی است (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۱)؛ زیرا ارزش اخلاقی درخصوص افعالی مطرح است که موجب قرب یا بعد انسان از خداست و فقط کارهای ارادی این ویژگی را دارا هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۶۰). پس افعالی که از روی جبر انجام می‌شوند در محدوده اخلاق نمی‌گنجد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۴۰). این ویژگی شامل ارزش اخلاقی مثبت و منفی - هر دو - می‌شود؛ به این معنا که فعل جبری اساساً متعلق ارزش اخلاقی واقع نمی‌گردد.

۳) فعل ارادی از این نظر که مصداق عنوانی است زاید بر ماهیت - نه از این نظر که ماهیتی از ماهیات است - موضوع ارزش اخلاقی واقع می‌شود (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۳). از این‌رو موضوع حکم اخلاقی عنوانی انتزاعی از سنخ معقولات ثانی فلسفی است؛ مثلاً «راه رفتن در زمین دیگران» نه از این نظر که مصداق ماهیت «راه رفتن» است، بلکه از این نظر که مصداق عنوان انتزاعی «غصب» است، ناشایست است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۵۲؛ همو، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۵۰). پس فعلی با ماهیت واحد - بسته به اینکه تحت کدام عنوان انتزاعی اخلاقی قرار گیرد - می‌تواند زمانی ارزش باشد و زمانی ضد ارزش.

۴) فعل اخلاقی باید دارای مطلوبیت انسانی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۴۴). ویژگی مطلوبیت اشاره به ارزش اخلاقی مثبت دارد. برای استفاده از معنای اعم «ارزش» می‌توان مطلوبیت یا مبعوضیت را به‌مثابه یکی از عناصر دخیل در ارزش اخلاقی لحاظ نمود.

در ارزش اخلاقی، مطلوبیت فعل نباید فقط به انگیزه اشباع غریز حیوانی باشد، بلکه ارزش اخلاقی مطلوبیتی است که در اثر کارهایی که به انگیزه خواست‌های فوق غریز حیوانی انجام می‌گیرند، برای روح انسان حاصل می‌شود (همان، ص ۱۴۱).

توضیح آنکه خواست‌های روح به دو قسم تقسیم می‌شوند: خواست‌های مرتبه غریز حیوانی (مثل تغذیه و دفاع که مشترک بین انسان و حیوان هستند) و خواست‌هایی که فوق غریز حیوانی بوده، مختص انسان هستند (مثل

شجاعت و سخاوت)، مطلوبیت کارهای اختیاری دسته اول ارزش اخلاقی محسوب نمی‌شود، برخلاف کارهای دسته دوم که دارای ارزش اخلاقی‌اند (همان، ص ۱۴۲).

این ویژگی در بیان استاد مطهری به نحو تقسیم فعل به طبیعی و اخلاقی بیان شده است. از نظر ایشان، فعل طبیعی همان فعالیت‌های معاشی انسان است که هدف در آنها فقط معاش و زندگی عادی است. همان‌گونه که کار یک حیوان قابل ستایش و نکوهش نیست، کار طبیعی انسان نیز مادام که با انگیزه‌های طبیعی صورت بگیرد و امر دیگری به آن ضمیمه نشود، قابل ستایش و نکوهش نخواهد بود. اما فعل اخلاقی فعل قابل «ستایش» و «نکوهش» است (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ص ۴۵۴-۴۵۶).

۵) مطلوبیت فعل با کمک عقل تشخیص داده می‌شود و به صورت آگاهانه انتخاب می‌گردد و این امر در صورت تراجم خواسته‌هاست که محقق می‌شود. در این صورت، انتخاب فعلی که عقل آن را برتر می‌داند و در تقابل با خواسته‌های طبیعی است، فعل را ارزشمند خواهد ساخت (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۴۳) و انتخاب خلاف تشخیص عقل ضد ارزش محسوب می‌شود.

بنابراین افعال موجوداتی، همچون فرشتگان و حیوانات که امیال متعارض و انگیزه‌های متزاحم ندارند، فعل اخلاقی نیست (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۲۰؛ همو، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۲۸). همچنین کار از روی غفلت و بدون توجه به تأثیر آن در کمال مطلوب، فاقد ارزش اخلاقی است؛ زیرا انتخاب با وجود امیال متزاحم، جز با آگاهی میسر نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۲۸).

۶) فعل اخلاقی منحصر در افعال جوارحی نیست، بلکه شامل افعال جوانحی نیز می‌شود (همان، ص ۳۱)؛ یعنی فعل اخلاقی گاهی نفسانی است و مظهر مادی ندارد و گاهی عمل خارجی است که دارای دو طرف است: طرف جسمانی و طرف معنوی (همان، ص ۴۰). چون ایمان نیز فعل اختیاری قلبی است، از اعمال جوانحی محسوب شده، متعلق ارزش اخلاقی خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸).

اما متعلق ارزش می‌تواند منشأ فعل اختیاری، نتیجه فعل اختیاری و یا خود فعل اختیاری باشد. منشأ و نتیجه فعل اختیاری همان ملکات و صفات نفسانی هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۴۰؛ همو، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۴۲) که به سبب جوانحی بودن، داخل در حیطه ارزش اخلاقی‌اند. اما خود کمال (مانند رستگاری و سعادت، با اینکه متصف به صفات ارزشی همچون خوب و بد و باید و نباید می‌شود) دارای ارزش اخلاقی نیست (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۲۸؛ همو، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۴۸)؛ زیرا با توجه به تعریف «ارزش اخلاقی»، «کمال» غایت ارزش اخلاقی است، نه متعلق آن.

بدین‌رویی وقتی هریک از افعال اختیاری خود را با کمال مطلوب انسان می‌سنجیم، از نظر عقلی سه حالت ممکن است پدید آید:

نخست. میان آنها رابطه‌ای مثبت برقرار باشد؛ یعنی انجام آن کارها ما را در وصول به کمال نهایی مدد رساند، که در این صورت آنها را «خوب» می‌دانیم.

دوم. میان آنها رابطه‌ای منفی باشد؛ یعنی انجام آن اعمال ما را از دستیابی به کمال مطلوب بازدارد، که چنین کارهایی را متصف به صفت «بد» می‌کنیم.

سوم. میان فعل اختیاری انسان و کمال مطلوب او هیچ رابطه‌ای، اعم از مثبت یا منفی نباشد، که در این صورت چنین کارهایی اگر اصولاً وجود داشته باشند، نه خوب‌اند و نه بد و به اصطلاح، در مقایسه با کمال مطلوب آدمی ارزش «خنثا» دارند (همان، ص ۱۰۳).

اما چون در جملات اخلاقی، مُسند به صورت مثبت و منفی (خوب و بد، باید و نباید) به کار می‌رود و فقط ارزش و ضد ارزش را دربر می‌گیرد، معمولاً بی‌ارزش کاربرد ندارد. پس ارزش اخلاقی وقتی محقق است که رابطه فعلی ارادی - چه جوارحی و چه جوانحی - در تحقق قرب یا بعد انسان از خداوند سنجیده شود.

۳. جایگاه حسن فعلی در ارزشمندی اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح یزدی

آیت‌الله مصباح یزدی معتقد است: برای ارزشمندی اخلاقی، هم حسن فعلی ملاک است و هم حسن فاعلی و نمی‌توان حسن فعلی را نادیده گرفت و مواردی که انسان تصمیم به انجام کار خوب می‌گیرد (یعنی دارای نیت صحیح است) ولی فعل اشتباهی انجام می‌دهد، جزو استثناهاست و در نتیجه نمی‌تواند معیار کلی برای ارزش اخلاقی به شمار آید (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۴۱).

ارزش اخلاق به دو عامل وابسته است: یکی صلاحیت خود فعل، و دوم نیت و انگیزه فاعل، که این دو - در حقیقت - به منزله جسم و روح عمل اخلاقی هستند؛ یعنی کار اخلاقی، هم خود به خود باید صالح و درست باشد و هم علاوه بر آن، لازم است با نیت و انگیزه صحیحی انجام گیرد تا ارزش پیدا کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۲۶).

چون حسن فاعلی به منزله روح، و حسن فعلی به منزله قالب عمل است، قالب عمل باید صلاحیت تعلق این روح را داشته باشد و از این رو نمی‌توان با انگیزه شریف، هر فعلی را انجام داد (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۳۰).

این عبارات نشان می‌دهند که وجود حسن فعلی برای ارزشمندی اخلاقی ضرورت دارد. بدین سان ارزشمندی اخلاقی فعل (که به معنای آن است که با آن فعل، انسان به کمال مطلوب انسانی‌اش دست پیدا می‌کند) وقتی محقق است که هم حسن فعلی وجود داشته باشد و هم حسن فاعلی.

اما مهم‌ترین مسئله در حسن فعلی این است که مصادیق حسن فعلی کدامند؟ آیا مباحات شرعی خارج از محدوده حسن فعلی هستند؟ اگر مباحات شرعی را خارج از محدوده حسن فعلی بدانیم، چگونه فعل مباحی که با نیت تقرب به خداوند انجام می‌پذیرد و محصل کمال انسان است، فاقد ارزش اخلاقی می‌شود، در حالی که معیار ارزشمندی اخلاقی رسیدن به کمال به واسطه فعل اختیاری است؟ برای پاسخ به این سؤالات باید حسن فعلی و محدوده آن از منظر استاد مصباح یزدی بررسی گردد.

۱-۳. معنای «حسن فعلی»

متکلمان مسلمان در خصوص حسن و قبح افعال، در دو جهت اختلاف دارند: یکی ذاتی یا غیرذاتی بودن خوبی و بدی افعال، و دیگری عقلی یا شرعی بودن تشخیص خوبی و بدی افعال.

شیعیان، معتزلیان و برخی دیگر از گروه‌های کلامی معتقد بودند: خوبی و بدی از صفات ذاتی افعالند و همچنین عقل آدمی به‌تنهایی توانایی درک خوبی و بدی برخی از کارها را دارد. از این‌رو اوامر و نواهی الهی صرفاً جنبه کاشفیت از واقع دارند. چون خوبی کار خوب و زشتی کار بد در ذات آنها نهفته است، خداوند نیز به انجام کار خوب فرمان می‌دهد و از انجام کار بد نهی می‌کند.

در مقابل، اشعریان معتقد بودند: امر و نهی خداوند مثبت نیکی و بدی افعال است. چنین نیست که خوبی و بدی در ذات افعال نهفته باشد و کار شرع صرفاً کشف آنها و کنار زدن پرده از روی واقعیت باشد، بلکه با امر شارع، فعلی حسن می‌گردد و با نهی وی، فعلی قبیح می‌شود؛ یعنی شرع، هم مثبت حسن و قبح افعال است و هم مبین آن دو (ایجی، ۱۳۲۵ق، ج ۸، ص ۱۸۱-۱۸۲). در واقع ذاتی نبودن حسن و قبح افعال موجب می‌شود عقل نیز توانایی تشخیص خوبی و بدی را نداشته باشد و صرفاً با بیان شارع به آن پی ببرد؛ زیرا ذاتی و غیرذاتی بودن حسن و قبح مربوط به مقام ثبوت است و عقلی یا شرعی بودن آنها مرتبط با مقام اثبات است، و اگر در مقام ثبوت، چنین اوصافی برای افعال آدمی وجود نداشته باشد طبیعتاً عقل نیز نمی‌تواند در مقام اثبات، چنین درکی از افعال اختیاری انسان داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ب، ص ۹۳).

«خوبی» و «بدی» معانی متعددی دارند که اختلاف اشاعره و عدلیه در تمام آن معانی نیست. متکلمان معنای محل اختلاف را تعلق یا عدم تعلق ذم به فعل (حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۰۲) یا تعلق مدح یا ذم عقلا و خداوند به فعل - که ملازم با استحقاق ثواب یا عقاب است - (فیاض لاهیجی، ۱۳۷۲، ص ۵۹) یا تعلق مدح و ثواب یا ذم و عقاب (ایجی، ۱۳۲۵ق، ج ۸، ص ۱۸۳) می‌دانند.

آیت‌الله مصباح یزدی نیز مدح و ذم عقلا را برای حسن و قبح فعل کافی نمی‌داند؛ زیرا مدح و ذم عقلا امری است که به عقلا بازمی‌گردد و برای حسن فعل که قالب فعل اخلاقی را تشکیل داده و در جهت رسیدن به کمال باید مؤثر باشد، مدح و ذم عقلا کافی نیست (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۳۶).

ایشان ضمن نفی دیدگاه اشاعره در غیر ذاتی دانستن حسن و قبح افعال، معتقد است که آیات قرآن نشان از ذاتی بودن خوبی و بدی افعال دارند و بر همین اساس است که امر به احسان و عدل و نهی از ظلم و فحشا صورت می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ج ۱، ص ۱۰۱) و حسن ذاتی فعل را در جایی می‌داند که انسان را به کمال برساند و مصلحت واقعی فرد و جامعه را محقق سازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ب، ص ۱۰۴).

ایشان همچنین در پاسخ اختصاصی خود به اشکال اشاعره در قبح راستگویی در نجات جان مؤمن، حسن فعل راستگویی را مشروط به مصلحت واقعی او و جامعه و رسیدن انسان به کمال دانسته است. از نظر ایشان ذاتی بودن حسن و قبح افعال با مشروط بودن خوبی و بدی آنها منافات ندارد (همان، ص ۱۰۴؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴الف، ص ۲۰۶-۲۰۸).

درست است که «راستگویی خوب است» مشهور میان مردم بوده و در جدل کاربرد دارد، ولی اگر بخواهیم قضیه‌ای بسازیم که یقینی باشد و حکایت از امری تکوینی و نفس‌الامری نماید و در نتیجه حسن و قبح ذاتی را نشان دهد، باید قیودی به راستگویی اضافه شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۶۵). بنابراین اگر به نحو قضیه

قطعی می‌گوییم: خوب بودن ذاتی صدق است، ذاتی صدق بما انه صدق نیست، بلکه ذاتی صدق است که برای مصلحت واقعی و سعادت حقیقی فرد و جامعه مفید باشد (همان، ص ۱۰۴؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۲۰۸-۲۰۶).

بدین‌روی قضایای اخلاقی کاشف از واقعیاتی خارجی‌اند. پس مقصود از گزاره «راستگویی مفید خوب است»، این خواهد بود که چنین فعلی در واقع و نفس الامر صلاحیت آن را دارد که انسان را به کمال مطلوب (قرب خدا) برساند، برخلاف راستگویی مضر یا دروغ‌گویی غیرمفید که صلاحیت آن را ندارند که انسان را به کمال برسانند. مسلماً ایصال به کمال زمانی محقق می‌شود که حسن فاعلی نیز به آنها افزوده شود. در مقابل این معنای ذاتی، اعتباری قرار دارد؛ بدین معنا که صلاحیت ایصال به کمال در واقعیت فعل وجود ندارد، بلکه توسط معتبر - که در دیدگاه اشاعره خداوند است - اعتبار شده است.

بنابراین مقصود ایشان از «حسن فعلی» که آن را به «صلاحیت فعل بما انه فعل» معنا نموده، این نیست که فعل را بی‌هیچ شرطی دارای حسن و قبح ذاتی می‌داند، بلکه به قرینه مقابله با حسن فاعلی - که به صلاحیت فعل بما انه صادر عن الفاعل معنا شده - «حسن فعلی» صلاحیت فعل است، بدون لحاظ صدور آن از فاعل، گرچه مشروط به شروط دیگری شده باشد.

از این‌رو در نظر آیت‌الله مصباح یزدی:

۱) مقصود از «حسن فعلی» همان حسن ذاتی فعل است و یکی دانستن حسن ذاتی و حسن فعلی منجر به تعارض در کلام ایشان نیست؛ زیرا وقتی می‌گوید: «حسن فعلی صلاحیت فعل بما انه فعل است» و از سوی دیگر حسن را ذاتی صدق بما انه صدق نمی‌داند، جمله اول ناظر به عدم لحاظ فاعل است و از وجود شروط دیگر برای تحقق حسن فعلی ابا ندارد، و جمله دوم ناظر به فعل بدون لحاظ هرگونه شرطی است.

۲) حسن فعلی به معنای صلاحیت فعل در رساندن انسان به کمال است.

۳) تنها چیزی که در حسن فعلی شرط نمی‌شود، جهت صدور آن از فاعل و - در واقع - نیت فاعل آن است.

۲-۲. مصادیق گوناگون حسن فعلی

گفته شد که تعریف متکلمان مسلمان از «حسن فعل» متفاوت است؛ برخی «حسن» را معادل با «عدم تعلق ذم به فعل حسن» دانسته (حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۰۲) و برخی آن را به معنای «تعلق مدح عقلا و خداوند به فعل حسن» (فیاض لاهیجی، ۱۳۷۲، ص ۵۹) یا «تعلق مدح و ثواب به فعل» (ایجی، ۱۳۲۵ق، ج ۸، ص ۱۸۳) عنوان کرده‌اند. تفاوت در تعریف منجر به تفاوت مصادیق از منظر آنان گردیده است؛ چنان‌که قائلان به «عدم تعلق ذم به فعل حسن»، آن را شامل احکام چهارگانه (واجب، مستحب، مباح و مکروه) دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۰۳) و قائلان به «تعلق مدح عقلا و خداوند به فعل حسن»، آن را شامل واجب، مستحب و مباح می‌دانند.

براساس معیار ارزش اخلاقی از منظر استاد مصباح یزدی می‌توان گفت: کار حرام و مکروه از دایره حسن فعلی خارج‌اند؛ زیرا ملاک کلی ارزش اخلاقی - بدون در نظر گرفتن استثناءها - صلاحیت فعل برای رساندن انسان به

کمال است و چنین صلاحیتی در فعل حرام و مکروه وجود ندارد. البته فعل حرام خاصیت بازدارندگی از کمال را هم دارد (مصباح یزدی، بی تا، ص ۴۱). اما آنچه با توجه به سخنان استاد مصباح یزدی محل بحث است، دیدگاه ایشان درباره افعال مباح است. بنا بر هر دو نظر فوق از متکلمان درباره معنای حسن فعلی، فعل مباح داخل در حسن فعلی است. اما لازم است بیانات گوناگون ایشان بررسی گردد تا نظر ایشان درباره این مطلب روشن گردد که «صلاحیت فعل بما انه فعل» شامل چه نوع افعالی می‌گردد؟

۱-۲-۲. رفتارهای صعودی و سقوطی

ایشان ارزش اخلاقی را در رفتارهای ارادی انسان به رفتارهای «صعودی» و «سقوطی» تقسیم نموده، رفتارهای صعودی را نیز دارای دو دسته می‌داند: رفتارهایی که جهت‌گیری مستقیم به سوی خدا دارند، یعنی کارهایی که در شریعت، «عبادت» به شمار آمده‌اند؛ و رفتارهایی که به صورت غیرمستقیم به انسان در جهت صعود کمک می‌رسانند، یعنی کارهای مباحی که گرچه بالذات عنوان «عبادت» ندارند، اما با نیت الهی جنبه عبادی پیدا می‌کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ب، ص ۱۶۰).

همان‌گونه که پیداست، طبق این بیان، افعال «واجب» و «مستحب» در دسته اول و افعال «مباح» در دسته دوم قرار می‌گیرند و هر دو دسته صلاحیت به کمال رساندن انسان و متصف شدن به ارزش اخلاقی را دارند. براساس دیدگاه ایشان درباره ضرورت حسن فعلی و فاعلی در ارزشمندی اخلاقی فعل، باید فعل مباح را - هرچند انگیزه الهی در آن لحاظ نشود - دارای حسن فعلی دانست.

۲-۲-۲. رفتار همراه با ایمان به خدا و قیامت و در چارچوب شرعی

ایشان قائل است به اینکه افعالی در کمال انسان مؤثرند که دارای دو شرط باشند: ایمان به خدا و روز قیامت، و قرار گرفتن در چارچوب تکالیف شرعی. «ایمان» اشاره به حسن فاعلی، و انجام فعل در «چارچوب شرعی» اشاره به حسن فعلی دارد. مقصود از «حسن فعلی» افعالی هستند که مخالف قالب‌های شرعی نباشند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ب، ص ۳۴۲)؛ یعنی قبیح نباشند. گویا در اینجا معنایی عام از «حسن» اراده شده که سلبی است و معنای قبیح نبودن دارد؛ یعنی برای ارزشمند بودن فعل، علاوه بر ایمان و نیت الهی، همین که فعل قبیح نباشد کافی است. بدین‌رو می‌توان فعل مباح را داخل در افعال حسن به حساب آورد؛ زیرا مخالف قالب شرعی نیست و از این‌رو با حسن فاعلی در انجام آنها، کمال و قرب الهی برای انسان محقق می‌شود.

۳-۲-۲. مراتب افعال اختیاری

ایشان مراتب افعال اختیاری را به چهار درجه کلی تقسیم می‌کند:

الف) افعالی که موجب قرب هستند که هم سازگاری بین فعل و کمال در آنها وجود دارد و هم نیت خالص دارند.

ب) افعالی که موجب قرب نیستند، ولی معدّ انسان در رسیدن به کمال و قرب و الهی‌اند. این دسته افعالی هستند که فضیلت محسوب می‌شوند، ولی از غیرمؤمن صادر می‌شوند.

ج) افعالی که از نظر ایجاد قرب و بعد نسبت به خداوند، خنثا هستند. مباحات شرعی در این دسته قرار می‌گیرند.

د) افعالی که منجر به بعد انسان از خدا هستند. محرمات شرعی در این دسته قرار می‌گیرند. (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۴۰-۴۱).

ایشان در جای دیگر، افعال را در مقایسه آنها با کمال مطلوب، به سه قسم تقسیم می‌کند:

- افعال خوب که به رسیدن انسان به کمال کمک می‌کنند.

- افعال بد که او را از رسیدن به کمال بازمی‌دارند.

- افعال خنثا که تأثیر مثبت یا منفی در تحقق کمال انسان ندارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۰۳).

خنثا بودن ارزش فعل مباح به سبب عدم لحاظ حسن فاعلی است. فرق مباحات شرعی با افعال نیکویی که از فاعل غیرمؤمن صادر می‌شود در این است که افعال نیکو از غیرمؤمن، معدّ قرب است، ولی فعل مباحی که از غرایز صادر می‌شود، معدّ قرب نیست. علت این امر را می‌توان عدم منشأ بودن عقل در انجام افعال مباح (بدون انگیزه الهی) دانست.

برای جمع‌بندی، فعل «راه رفتن» را به‌عنوان فعل مباح در گزاره‌های فوق در نظر می‌گیریم تا مقصود نهایی به‌دست آید:

طبق بند الف، «راه رفتن» صلاحیت به کمال رساندن انسان را دارد و از این‌رو با قطع نظر از انگیزه فاعل، دارای حسن فعلی خواهد بود (با لحاظ شرط بودن حسن فعلی در ارزشمندی اخلاقی فعل)؛ زیرا:

حسن فعلی + حسن فاعلی = ارزشمندی اخلاقی

از سوی دیگر «راه رفتن» با انگیزه الهی، دارای ارزشمندی اخلاقی لحاظ شده است. پس هر دو جزء علت باید محقق باشند. از این‌رو «راه رفتن» دارای حسن فعلی خواهد بود.

طبق بند ب، «راه رفتن» چون قبیح نیست و در محدوده شرع است، صلاحیت به کمال رساندن انسان را دارد و دارای حسن فعلی است.

طبق بند ج، «راه رفتن» به‌تنهایی و بدون نیت الهی، نه موجب سقوط است، نه موجب کمال و از این‌رو ارزش خنثا دارد.

نتیجه آنکه اگر فعل مباح فی نفسه لحاظ شود، ارزش خنثا دارد و تأثیری در کمال یا سقوط انسان نخواهد داشت؛ ولی صلاحیت آن را دارد که از خنثا بودن خارج شود و انسان را به سمت کمال ببرد و این زمانی اتفاق می‌افتد که با نیت الهی همراه گردد؛ یعنی حسن فاعلی می‌تواند فعلی با ارزش خنثا را از «فاقد ارزشمندی» به سمت «ارزشمندی» و «خوب» بودن تغییر جهت دهد.

وجه این مسئله را می‌توان در بخش‌های دیگری از سخنان استاد مصباح یزدی جست که در ادامه، دو وجه در

تبیین مسئله بیان می‌شود:

۱-۳-۲. وجه اول

از نظر ایشان مباحات به دو صورت مدنظر قرار می‌گیرند: یکی به عنوان فعل غریزی و یکی به عنوان مقدمه برای مطلوب انسانی.

چون انسان موجودی دارای مراتب است، آنچه موجب انجام فعل است توجه انسان به یکی از شئون خوبش است که موجب می‌شود کمال مربوط به همان شأن را بطلبد و فعل مرتبط با آن، او را به کمال همان شأن می‌رساند. از این رو ممکن است توجه وجودی انسان به شئون طبیعی خود باشد که در این صورت، انگیزه انجام فعلی در جهت کمال طبیعی‌اش را برای او به وجود خواهد آورد. ولی اگر به شئون معنوی خود توجه کند، فعلی در جهت کسب کمالات روحانی خود انجام خواهد داد که دارای ارزش اخلاقی محسوب می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۳۴-۳۳۵).

حال اگر انسان فعل غریزی را در جهت رسیدن به کمال انسانی خود بطلبد - از این لحاظ که غایات افعال غریزی واسطه در رسیدن او به کمال انسانی است - آن فعل دارای ارزش اخلاقی خواهد شد (همان، ص ۳۳۷؛ مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۲۹). در این صورت مبدأ فعل دیگر غریزه نیست، بلکه عقل است. مطلوبیت آن نیز مطلوبیت انسانی است و با آگاهی منتخب انسان واقع می‌شود و بدین‌روی متعلق ارزش اخلاقی است. وجود نیت و تأثیر آن در فعل به گونه‌ای است که ایشان با اینکه مباحات را دارای ارزش خنثا می‌داند، ولی در اصل وجود افعالی که هیچ تأثیری در کمال یا سقوط انسان نداشته باشند، تشکیک می‌کند. حالت سوم اینکه، میان فعل اختیاری انسان و کمال مطلوب او هیچ رابطه‌ای، اعم از مثبت یا منفی نباشد، که در این صورت، چنین کارهایی اگر اصولاً وجود داشته باشند، نه خوب‌اند و نه بد و - به اصطلاح - در مقایسه با کمال مطلوب آدمی ارزش خنثا دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۱۰۳).

۲-۳-۲. وجه دوم

ایشان موضوع حکم اخلاقی را عناوین انتزاعی می‌داند، نه ماهیت خارجی؛ یعنی غذا خوردن و راه رفتن و سخن گفتن و مانند آن فقط در صورتی که مصادیق یکی از عناوین انتزاعی عدالت، ظلم، راستگویی و مانند آن باشند، جایگزین موضوع قضایای اخلاقی و مشمول حکم آنها می‌شوند و خود به خود نمی‌توان آنها را خوب یا بد شمرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۵۰). در واقع، در اسلام اصول کلی، ثابت و مطلق اخلاقی، مثل «عدالت خوب است» وجود دارد، اما مصداق آن تغییر می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۵۵)؛ چنان که سخن گفتن که فعلی مباح است، می‌تواند مصداق عدالت یا ظلم واقع شود و از این رو ارزشمند یا ضد ارزش محسوب گردد.

یکی از چیزهایی که مصداقی را تحت عنوان فعل اخلاقی خاصی قرار می‌دهد، «نیت» است. بنابراین اگر فعلی همچون راه رفتن که فعلی مباح است، به واسطه نیت الهی متصف به «خوب بودن» شد، ارزشمند محسوب می‌گردد؛ زیرا تحت عنوانی انتزاعی همچون «عبادت» واقع شده و چون «عبادت» از نظر اخلاقی فعلی ارزشمند است، چنین راه رفتنی (با نیت الهی) نیز ارزشمند خواهد شد. بدین‌روی «نیت» افعال دارای ماهیت خارجی را تحت یکی از عناوین انتزاعی اخلاقی (معقول ثانی فلسفی) قرار می‌دهد و از این نظر موضوع احکام ارزشی واقع می‌شوند.

۴. جایگاه حسن فاعلی در ارزشمندی اخلاقی از منظر آیت‌الله مصباح یزدی

در بیشتر مکاتب اخلاقی، معیار قضاوت درباره ارزش داشتن یا بی‌ارزش بودن یک رفتار، نفس عمل و نتایج آن است، بی‌آنکه انتساب آن به فاعل مطرح باشد. به تعبیر دیگر، معیار قضاوت فقط حُسن فعلی است و انگیزه، قصد و نیت فاعل در این زمینه دخالتی ندارد. برخی مکاتب همچون مکتب کانت نیز حسن فاعلی را مدنظر قرار داده و از این نظر با دیدگاه اسلام همسو گشته‌اند. اما تفاوت مکتب کانت با اسلام در این است که کانت «قصد ادای تکلیف» را برای ارزشمندی اخلاقی شرط می‌داند، اما مکتب اخلاقی اسلام «انگیزه الهی» را. از دیدگاه کانت فقط اعمالی که برای ادای تکلیف انجام می‌شوند، دارای ارزش اخلاقی هستند و در نتیجه، فعل واحد (مثل حفظ جان و خودکشی نکردن) اگر به صرف تمایل شخص به زندگی انجام شود، گرچه کاری خلاف تکلیف نیست، ولی ارزش اخلاقی هم ندارد. ارزش اخلاقی این فعل وقتی است که جان را به خاطر انجام تکلیف حفظ کند (کاپلستون، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۳۲۴).

از نظر استاد مصباح یزدی اگر عملی دارای حسن فعلی باشد، اما از حسن فاعلی برخوردار نباشد، انسان را به کمال نمی‌رساند و پاداشی بر آن مترتب نیست، بلکه اگر شخصی عبادتی را به قصد ریا انجام دهد، گرچه حسن فعلی دارد، اما چون از حیث فاعلی هیچ ارزشی ندارد، چنین عملی دارای ارزش منفی بوده، موجب سقوط انسان و جهنم‌آفرین است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲).

با توجه به اینکه حسن فعلی و حسن فاعلی هر دو در ارزشمندی اخلاقی مؤثرند، در این بخش به تبیین نقش حسن فاعلی در ارزشمندی اخلاقی افعال خواهیم پرداخت و وجوه اصالت آن از دیدگاه استاد مصباح یزدی را استخراج خواهیم نمود:

۴-۱. معنای «حسن فاعلی»

برخی اصولیان به مناسبت بحث «تجری» سخن از قبح فاعلی به میان آورده و آن را امری غیر از قبح فعلی دانسته‌اند. علاوه بر این، از تعلق بحث متجری به علم اصول، فقه و کلام از جهات گوناگون سخن گفته‌اند (کاظمی خراسانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۰). از نظر ایشان، حسن و قبح فاعلی با حسن و قبح فعلی متفاوت است و تلازمی بین آنها نیز وجود ندارد؛ زیرا گاهی فاعل قبیح است و فعل حسن - که در تجری چنین است - و گاهی فاعل حسن است و فعل قبیح - که «انقیاد» نامیده می‌شود (همان، ص ۴۲).

در مباحث کلامی نیز حسن فاعلی در بحث صدور عمل صالح از غیر مؤمن موضوع بحث واقع شده است (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۷۸).

تقسیم حسن و قبح به «فاعلی» و «فعلی» منحصر در علوم سه‌گانه مزبور نبوده و در علم فلسفه اخلاق نیز به مناسبت «معیار ارزش اخلاقی» بحث «حسن فاعلی» مطرح شده است و به بحث‌های کلامی که استحقاق ثواب و عقاب را مطرح می‌کنند، نزدیک شده است.

استاد مصباح یزدی بحث «حسن فاعلی» را در دو حیطة مطرح می‌کند: (۱) ایمان قلبی؛ (۲) نیت و انگیزه الهی (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۲۴؛ همو، ۱۳۸۴، ص ۴۶۲).

۱-۱-۴. ایمان قلبی

از نظر ایشان، ایمان امری قلبی و در عین حال اختیاری بوده و متفاوت با علم و عقیده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۳۰۹؛ همو، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۱۷) که نیازمند متعلق است. ایمانی که در اخلاق می‌تواند حسن فاعلی افعال را تأمین کند، ایمان به خدا، روز قیامت و محتوای دعوت انبیاست (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۳۲ و ۴۰). به بیان دیگر توحید و نبوت و معاد - که «اصول عقاید» خوانده می‌شوند - گرچه آیات قرآن متعلق ایمان را بیش از این موارد معرفی کرده‌اند و ایمان به کتب، رسل، ملائکه، امامت و غیب را جداگانه بیان نموده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۶-۳۱۸)، اما بازگشت آنها به همان سه اصل کلی، بلکه در نهایت به توحید است.

متعلق ایمان گاهی در بیانات استاد مصباح یزدی به ایمان به خدا و روز قیامت (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۴۲) و گاه به ایمان به خدا تقلیل یافته است. علت این موضوع آن است که اساسی‌ترین امری که متعلق ایمان قرار می‌گیرد، ایمان به خداست؛ زیرا اگر ایمان به خدا جامع و کامل باشد، ایمان به معاد و نبوت نیز تحقق می‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱).

۲-۱-۴. نیت الهی

«نیت الهی» دومین تعبیر از حسن فاعلی است. فعل صادر شده از اراده فاعل، مسبوق به انگیزه و میل به سوی فعل است. اگر انگیزه‌های متعدد متدافعی وجود داشته باشند، انگیزه غالب تأثیرگذار خواهد بود. انگیزه و رغبت به «غریزی» و «غیرغریزی» تقسیم می‌شود. رغبت غیر غریزی در دو حالت محقق است: یا با توجه تفصیلی نفس محقق می‌شود و یا بدون توجه و با غفلت اتفاق می‌افتد. مقصود از «نیت» صرفاً رغبت غیرغریزی است که بدون غفلت ایجاد شده باشد (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۲۱-۲۲). بدین‌روی «نیت» انگیزه‌ای است آگاهانه که در تحقق اراده فعل مؤثر است؛ «الداعی المشعور به، المؤثر فی ارادة الفعل» (همان، ص ۲۶). از این‌رو امور ذیل در تحقق نیت شرط است:

(۱) تحقق انگیزه انجام فعل (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۰۵)؛

(۲) آگاهانه بودن انگیزه (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۷۳)؛

(۳) تعلق انگیزه به فعل ارادی (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۰۵).

باید توجه داشت که هر نیتی حسن فاعلی محسوب نمی‌شود، بلکه حسن فاعلی منحصر در نیت‌هایی است که به کمالات انسانی تعلق می‌گیرند. از این‌رو اگر انگیزه به امر متضاد با کمال انسانی تعلق گیرد، متصف به «قبح فاعلی» می‌گردد، گو اینکه کمالات انسانی، خود دارای درجاتی هستند که اعلا مرتبه آن رسیدن به مرتبه‌ای از

وجود است که بین انسان و پروردگارش هیچ حجابی نباشد (مصباح یزدی، بی تا، ص ۳۰-۳۱)، به گونه‌ای که فاعل فعل اخلاقی، فعل را صرفاً به قصد رضایت خدا انجام می‌دهد و در درجات پایین‌تر، رضایت‌الهی در قالب کسب بهشت و نجات از جهنم اراده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۰۸؛ همو، ۱۳۸۳، ص ۳۰۰).

رابطه ایمان با انگیزه الهی یک رابطه طولی است؛ زیرا نیت الهی در انجام افعال، وابسته به وجود ایمان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۵۲؛ همو، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۵۶). تا کسی ایمان به خدا نداشته باشد، نمی‌تواند کاری را به خاطر خداوند انجام دهد و تا ایمان به روز قیامت - که روز حساب و پاداش و کیفر است - نداشته باشد، نمی‌تواند برای امید به پاداش خدا یا ترس از عذاب وی کاری انجام دهد. بنابراین، ایمان نقش اساسی در تحقق نیت و انگیزه الهی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۷).

بدین‌روی اگر گاهی در بیان حسن فاعلی، به نیت الهی اکتفا می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۴۰)، به این علت است که ایمان پشتوانه آن و ریشه تحقق قصد خدایی است، و نیز اگر در جایی از ایمان به‌عنوان حسن فاعلی صحبت می‌شود، مقصود ایمانی است که انگیزه مؤمنانه برای انجام فعل ایجاد می‌کند، وگرنه اگر کسی مؤمن به خدا و روز قیامت باشد، ولی در انجام افعالش قصد ریا کند یا انگیزه الهی نداشته باشد، عملش فاقد حسن فاعلی خواهد بود.

۲-۴. شرطیت حسن فاعلی در ارزشمندی اخلاقی

از نظر استاد مصباح یزدی، برخی احکام اخلاقی مطلق هستند و برخی مقید و نسبی؛ اما حکم نسبی با لحاظ شرایط و قیودش، مطلق و ثابت خواهد بود؛ مثلاً گزاره «عدل خوب است» مطلق است، ولی گزاره «کشتن انسان بد است» نسبی بوده و مقید به بی‌گناهی اوست (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف، ص ۲۰۴). این اطلاق و تقیید در احکام اخلاقی مرتبط با حسن و قبح فعلی است و فعل را بما انه فعل لحاظ نموده است؛ چنان‌که ایشان در پاسخ به اشکال اشاعره نیز چنین روشی را اتخاذ نموده و راستگویی را به شرط آنکه برای مصلحت واقعی و سعادت حقیقی فرد و جامعه مفید باشد، خوب دانسته است (همان، ص ۲۰۸).

همین رویکرد در خصوص حسن فاعلی نیز مقبول ایشان است؛ یعنی عبادت از نظر فعلی، با اینکه مطلقاً خوب محسوب شده، اما ارزشمندی اخلاقی آن مشروط به وجود نیت صحیح و حسن فاعلی است؛ چنان‌که براساس آیات قرآن معتقد است: تأثیر اعمال صالح در سعادت اخروی مشروط به ایمان و قصد تقرب است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۴۶۳). بنابراین تمام افعال ذاتاً نیک (حسن ذاتی) مشروط به یک شرط واحد و ثابت برای ارزشمندی اخلاقی هستند و آن شرط «نیت قرب الهی» است.

نتیجه این بحث تفاوت ارزشمندی اخلاقی با حسن فعلی است. قضیه «عدل خوب است» از یک‌سو حسن فعلی عدل را بیان می‌کند و از سوی دیگر گزاره‌ای اخلاقی محسوب می‌شود که به ارزش اخلاقی عدل در ضمن آن

اذعان شده است. به بیان دیگر، در حسن فعلی، مفهومی انتزاعی به مثابه موضوع گزاره و مفهومی ارزشی به مثابه محمول گزاره مطرح می‌شود. در گزاره‌های اخلاقی نیز - همان گونه که بحث مفصلی درباره موضوع و محمول جملات اخلاقی بیان شده - انتزاعی بودن موضوع و محمول و ارزشی بودن محمول مقبول واقع شده است. با این حال ارزش اخلاقی و حسن و قبح فعلی با یکدیگر فرق دارند و فرقیشان در شرطیت حسن و قبح فاعلی در ارزش اخلاقی و عدم شرطیت آن در حسن و قبح فعلی است.

بنابراین گزاره «عدل خوب است» به طور مطلق حسن فعلی را بیان می‌کند و گزاره «عدل خوب است» مشروط به اینکه فاعل آن انگیزه الهی داشته باشد، ارزشمندی اخلاقی را متذکر می‌شود؛ یعنی عدالت اگر از فاعلی بی‌ایمان و بدون انگیزه الهی (مثلاً به قصد جلب توجه مردم یا با منشأ عاطفه انسانی) سر بزند، فاقد ارزشمندی اخلاقی خواهد بود، درحالی که حسن ذاتی‌اش را دارد.

از نظر استاد مصباح یزدی ارزش اخلاقی مولود نیت و فعل است؛ اما نسبت فعل با نیت، نسبت جسد به روح است؛ یعنی نیت عنصر اساسی در خلق ارزش اخلاقی به شمار می‌آید (مصباح یزدی، بی تا، ص ۲۶؛ همو، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۵) و در مقایسه با فعل، دارای اصالت است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۴۱). اما آیا اصالت می‌تواند بدین معنا باشد که حسن فاعلی برای ارزشمندی اخلاقی کافی است؟ اگر چنین باشد چرا ایشان وجود حسن فعلی را نیز ضروری دانسته است؟

۳-۴. کفایت یا عدم کفایت حسن فاعلی در ارزشمندی اخلاقی

گفته شد که حسن فعلی نیز همچون حسن فاعلی برای تحقق ارزشمندی اخلاقی ضروری است. شاید اشکالی ناظر بر دیدگاه مزبور مطرح گردد که در برخی روایات، نیت الهی و آرزوی عمل نیک عامل بهره‌مندی از آن عمل دانسته شده (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۲) و از این رو حسن فاعلی برای ارزشمندی اخلاقی کفایت می‌کند و وجود حسن فعلی و اساساً فعل ضرورت ندارد.

پاسخ این است که مطابق دیدگاه استاد مصباح یزدی، عمل صالح از لوازم ایمان است و مواردی که ایمان و نیت الهی وجود دارد ولی امکان انجام عمل به سبب نبود فرصت، نبود قدرت و مانند آن از سوی فرد مهیا نبوده است، مواردی خارج از قاعده محسوب می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶). بدین‌روی مقصود از «کفایت حسن فاعلی» این است که ایمان و انگیزه الهی انسان را به سوی عمل سوق می‌دهد. بر همین اساس است که استاد مصباح یزدی بر این مطلب تأکید دارد که حسن فعلی نیز لازم است و عمل صالح باید وجود داشته باشد.

علاوه بر این، می‌توان مطلب را به گونه دیگری نیز نگاه کرد. نظر دقیق در کاربرد واژگان نشان می‌دهد که اساساً چنین مواردی موضوعاً از بحث خارج است؛ زیرا استاد مصباح یزدی «فعل» اخلاقی را به دو قسم تقسیم

می‌کند: فعلی که نفسانی است و مظهری در عالم ماده ندارد؛ و فعلی که از جنس عمل خارجی است و دارای دو جنبه جسمانی و معنوی است که به جنبه معنوی آن «نیت» می‌گویند (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۳۹-۴۰). فقط در حالت دوم است که حسن فاعلی و حسن فعلی مطرح است، نه در حالت اول؛ یعنی وقتی تعبیر حسن فاعلی به‌کار می‌رود، حتماً باید مقابل آن حسن یا قبح فعلی نیز وجود داشته باشد. از این رو «حسن فاعلی» فقط درباره افعال خارجی به‌کار می‌رود تا علاوه بر ظهور خارجی، به نیت درونی آنها اشاره شود. پس در مواردی که فعل خارجی وجود ندارد، حسن فاعلی فعل نیز کاربرد ندارد.

به بیان دیگر، ایمان و نیت در مواردی که فعلی تحقق نمی‌یابد، حسن فاعلی نیستند، بلکه خود، عملی اختیاری هستند که متعلق ارزش اخلاقی واقع می‌شوند. در واقع ایمان و نیت الهی از دو جهت قابل توجه و بررسی‌اند: یکی به‌عنوان فعل قلبی، و دیگری به‌عنوان سبب و روح فعل خارجی. در حالت دوم است که عنوان «حسن فاعلی» به خود می‌گیرند که شرط ارزشمندی اخلاقی فعل است. پس خوبی ایمان و نیت الهی به‌مثابه فعل اختیاری - نه به‌عنوان منشأ فعل خارجی - به معنای ارزشمندی حسن فاعلی بدون حسن فعلی نیست؛ زیرا ایمان و نیت خالص در اینجا خود «فعل» است، نه انگیزه فاعل.

این تقسیم‌بندی در بیان استاد مصباح یزدی و اختصاص حسن فاعلی به قسم دوم را می‌توان از این نظر دانست که ما ارزشمندی نیت الهی و ایمان را پذیرفتیم و آنها را فعل جوانحی دانستیم، اما نمی‌توانیم برای این افعال جوانحی نیت الهی لحاظ کنیم تا در فعل جوانحی هم حسن فعلی و فاعلی محقق باشد. به عبارت دیگر، معنا ندارد که سؤال کنیم این فرد با انگیزه الهی ایمان آورده است یا بدون انگیزه الهی؟ یا مثلاً سؤال کنیم که نیت الهی این فرد در انجام فلان عمل نیک، با قصد الهی بوده است یا بدون قصد الهی؟ چنین تفاوتی بین عمل جوارحی و جوانحی، در مسائل مشابهی مانند اراده نیز مطرح است که برای اراده، اراده دیگری در نفس انسان به وجود نمی‌آید. در اینجا نیز باید گفت: برای ایمان و نیت الهی، نیت الهی دیگری در نفس تحقق ندارد.

بدین‌روی اگر اصالت حسن فاعلی به معنای کفایت آن نیست، و جوه اصالت را چگونه می‌توان تبیین نمود؟

۳-۴. وجوه اصالت حسن فاعلی

با توجه به سخنان استاد مصباح یزدی می‌توان وجوه اصالت حسن فاعلی را در نکات ذیل ذیل جمع‌بندی نمود:

۱-۳-۴. وابستگی حسن فعلی به حسن فاعلی

گفته شد که عمل صالح از لوازم ایمان است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۱). البته می‌توان مواردی را فرض کرد که ایمان وجود دارد، ولی عمل صالح از انسان مؤمن صادر نمی‌شود. این امر به آن علت است که شرایط زمانی و مکانی و دیگر شرایط برای انجام عمل محقق نشده؛ مثل کسانی که ایمان می‌آورند ولی فرصت عمل پیدا نمی‌کنند و عمرشان برای عمل کردن کفاف نمی‌دهد، یا فرصت پیدا می‌کنند ولی قدرت ندارند، و یا با وجود فرصت و قدرت،

چون در تقیه به سر می‌برند، عملی را که به مقتضای ایمان باید انجام دهند به خاطر تقیه ترک می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶).

علاوه بر اینکه عمل صالح لازمه ایمان است، کیفیت، کمیت، شکل، خصوصیات مکانی و زمانی و دیگر مشخصات کار نیز تابع انگیزه است. چون روح عمل انگیزه است، عامل تعیین‌کننده شکل و مشخصات عمل هم انگیزه خواهد بود. در واقع شکل و قالب کار تجلی نیت فاعل آن است. از این رو نمی‌توان هر کاری را با هر انگیزه‌ای انجام داد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب، ص ۳۳۸). نیت صحیح اقتضای چیزی را دارد که با آن سنخیت داشته باشد و کاری که حسن فعلی ندارد، با نیت خوب نیز سنخیت ندارد. مواردی که به نام «حسن انقیادی» در علم اصول شناخته می‌شوند - که در آن، نیت صحیح است، ولی عمل اشتباه - از نظر استاد مصباح یزدی جزو استثناسهاست؛ زیرا آگاهی در آن وجود ندارد، در حالی که قاعده در اینجا بر محور آگاهی نسبت به فعل شکل می‌گیرد (همان، ص ۳۴۱).

۲-۳-۴. جهت‌دهی ارزشی به فعل خنثا

روشن گردید که افعال مباح که فی‌حد نفسه دارای ارزش خنثا هستند، به واسطه نیت صحیح موجب تقرب و دارای ارزش مثبت می‌شوند. بنابراین حسن فاعلی می‌تواند فعل دارای ارزش خنثا را به فعل ارزشمند تبدیل کند، البته نه به این معنا که ماهیت خارجی فعل تغییر می‌کند، بلکه به این معنا که فعل را تحت عنوان «فعل ارزشمند» قرار می‌دهد. این در حالی است که قضیه را به صورت عکس نمی‌توان درباره حسن فعلی مطرح کرد؛ یعنی فعل ذاتاً خوب بدون نیت صحیح، موجب قرب نیست، حتی اگر نیت بدی هم پشت این عمل خوب نباشد. به تعبیر دیگر، اگر نیت را خنثا از نظر ایجاد قرب و بعد لحاظ کنیم و فعل را ذاتاً نیک فرض نماییم، چنین فعلی دارای ارزش اخلاقی و موجب تقرب فاعل آن نخواهد بود؛ مثل اینکه کسی به خاطر عطوفت قلبی نسبت به مردم بخشنده باشد، ولی غیرمؤمن بوده و یا این کار را به خاطر رضایت‌الهی انجام نداده باشد. این ویژگی می‌تواند نشانه اصالت حسن فاعلی در مقابل حسن فعلی باشد.

البته درباره فعل نیک با انگیزه فوق حیوانی (مثل سخاوت) به سبب عاطفه انسانی که از انسان مؤمن ولی بدون نیت‌الهی و یا از انسان غیر مؤمن صادر شده است، باید گفت: گرچه حد نصاب ارزش اخلاقی را ندارد، ولی با فعل قبیح و یا فعلی حسن با نیت قبیح تفاوت دارد؛ زیرا فعلی با این شرایط، نفس را برای نزدیکی به کمال مطلوب و بهره‌مندی از آن آماده می‌کند و از این نظر دارای ارزش قریب به حد نصاب خواهد بود. چنین افعالی براساس روایات، با اینکه موجب ورود به بهشت و دار رحمت نمی‌شوند، ولی رهایی از عذاب را به دنبال دارند که نشانه نزدیک شدن به حد نصاب ارزش اخلاقی است (همان، ص ۳۴۲). به بیان دیگر نهایت تأثیر چنین افعالی زمینه‌سازی برای قرب به خداست، بی‌آنکه قربی ایجاد کنند (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۴۱).

۳-۳-۴. تأثیر قبح فاعلی در سقوط انسان

یکی دیگر از وجوه اصالت حسن فاعلی را می‌توان در مقایسه قبح فاعلی و قبح فعلی با یکدیگر در اثرگذاری آنها دانست. عمل انسان تحت یکی از فروض چهارگانه ذیل قرار می‌گیرد:

حسن فعلی + حسن فاعلی = کمال و قرب انسان به خدا و در نتیجه، از نظر اخلاقی دارای ارزش مثبت است؛ مانند انجام عبادت با انگیزه الهی.

قبح فعلی + قبح فاعلی = بعد انسان از خدا و در نتیجه ارزش منفی اخلاقی؛ مانند دروغ گفتن به قصد آسیب رساندن به دیگران.

حسن فعلی + قبح فاعلی = بعد انسان از خدا و دارای ارزش اخلاقی منفی؛ مانند عبادت به قصد ریا (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲).

قبح فعلی + حسن فاعلی = در کلمات اصولیان «انقیاد» نام دارد. چنین فعلی چون با اشتباه و ناآگاهی فاعل همراه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۳۴۱)، لزوماً موجب سقوط فاعل نیست.

مقایسه دو حالت اخیر نشان می‌دهد که قبح فاعلی به خاطر عمل آگاهانه فاعل در مقابل قبح فعلی به سبب غفلت فاعل، تأثیر بیشتری در سقوط انسان می‌تواند داشته باشد.

نتیجه‌گیری

از منظر آیت‌الله مصباح یزدی، ارزش اخلاقی افعال وابسته به کمالاتی است که یک فعل برای انسان به وجود می‌آورد. «کمال» در مکتب اخلاقی اسلام چیزی جز «قرب الهی» است و قرب خداوند در صورتی محقق می‌شود که فعل، هم دارای حسن فعلی باشد و هم حسن فاعلی. از این رو به‌عنوان یک قاعده کلی، حسن فعلی به‌منزله جسد، و حسن فاعلی به منزله روح آن در تحقق ارزش اخلاقی است.

براساس معنای سلبی از «حسن» هر چه قبیح نباشد، دارای حسن فعلی خواهد بود و در نتیجه مصادیق حسن فعلی - غیر از واجب و مستحب - شامل افعال مباح نیز می‌شود. مقصود از «حسن فعلی» همان حسن ذاتی افعال است که براساس مقابله با دیدگاه اشاعره، به معنای آن است که فعل حسن در واقع و نفس‌الامر صلاحیت آن را دارد که انسان را به کمال برساند.

همان‌گونه که استاد مصباح یزدی حسن ذاتی افعال را مشروط به صلاحیت افعال در محقق ساختن کمال برای انسان می‌داند، ارزشمندی اخلاقی افعال نیز مشروط به حسن فاعلی (یعنی ایمان و نیت الهی) خواهد بود؛ اما حسن فاعلی نسبت به حسن فعلی دارای اصالت است. وجوه اصالت آن را می‌توان در وابستگی حسن فعلی به حسن فاعلی و جهت‌دهی ارزشی به فعل خنثا و تأثیر قبح فاعلی در سقوط انسان دانست. مباحث مطرح‌شده در جایگاه حسن فعلی و فاعلی در ارزشمندی اخلاقی، مختص افعال جوارحی است و در افعال جوانحی چنین تفکیکی وجود ندارد.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، صفحه‌نگار.

ایچی، میرسیدشریف، ۱۳۳۵ق، *شرح المواقف*، تصحیح بدرالدین نعسانی، قم، شریف الرضی.

حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح، مقدمه، تحقیق و تعلیقات حسن حسن‌زاده آملی، چ چهارم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

رهنما، علی، ۱۳۹۰، «نقش نیت در ارزش فعل اخلاقی»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۶۸، ص ۴-۱۹.

فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، ۱۳۷۲، *سرمایه ایمان در اصول اعتقادات*، تصحیح صادق لاریجانی، چ سوم، تهران، الزهراء.

کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۷، *تاریخ فلسفه*، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، چ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی و سروش.

کاظمی خراسانی، محمدعلی، بی‌تا، *فوائد الاصول*، تحقیق رحمت‌الله رحمتی اراکی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۹، *آموزش فلسفه*، چ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

_____، ۱۳۸۰، *به سوی خودسازی*، نگارش کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۸۳، *به سوی او*، تحقیق محمدمهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۸۴، *آموزش عقاید*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

_____، ۱۳۹۱الف، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۱ب، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، تحقیق و نگارش غلامرضا متقی‌فر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۴الف، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۴ب، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، بی‌تا، *کلمه حول فلسفه الخلاق*، قم، مؤسسه در راه حق.

مصباح، مجتبی، ۱۳۹۱، «نقش نیت در ارزش اخلاقی»، *اخلاق و حیاتی*، ش ۳، ص ۸۱-۱۰۴.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، *مجموعه آثار (عدل الهی)*، چ هفتم، تهران، صدرا، ج ۱.

_____، ۱۳۸۴، *مجموعه آثار (فلسفه اخلاق)*، چ هفتم، تهران، صدرا، ج ۲۲.